سرمقاله

کوچ سرمایه انسانی از صنعت

ادامه از صفحه ۱

ـ اختلال‌هایی که طی بیش از یک دهه انباشته شده است و اکنون خود را به‌صورت خروج سرمایه انسانی از بخش‌های مولد نشان می‌دهد. گزارش‌های متعدد از خالی شدن خطوط تولید، کمبود نیروی کار در صنایعی مانند نساجی و معادن و انتقال نیروی انسانی به بخش خدمات، همگی مؤید این واقعیت هستند که صنعت ایران در حال از دست دادن یکی از حیاتی‌ترین نهادهای خود است. در سطحی عمیق‌تر، کوچ نیروی کار از صنعت را باید نشانه‌ای از زوال ساختاری و پایان کارآیی مدل توسعه صنعتی موجود دانست. مدلی که در شرایط تورم مزمن، بی‌ثباتی سیاستی، تحریم‌های طولانی‌مدت و بحران انرژی، دیگر قادر نیست هم برای سرمایه‌گذار و هم برای نیروی کار افق قابل دفاعی ترسیم کند. از این منظر، مسأله نیروی کار نه یک بحران بخشی، بلکه بازتاب یک بحران ساختاری در اقتصاد کلان است.

اقتصاد ایران سال‌هاست درگیر رکود تورمی مزمن است؛ وضعیتی که در آن رشد اقتصادی ضعیف با تورم بالا به‌طور همزمان تداوم یافته است. تورم چندرقمی که ریشه در کسری بودجه ساختاری، سیاست‌های پولی انبساطی و شوک‌های بیرونی دارد، دو اثر متقابل اما هم‌افزا بر بخش صنعت گذاشته است. از یک‌سو، با فرسایش قدرت خرید خانوارها، تقاضای مؤثر برای کالاهای صنعتی داخلی کاهش یافته و بنگاه‌ها با فروش دشوار و انبارهای پر از محصول مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، تورم عمومی، هزینه نهاده‌های تولید ـ از مواد اولیه و سرمایه در گردش گرفته تا حمل‌ونقل و انرژی ـ را به‌شدت افزایش داده است. این وضعیت، بنگاه‌های صنعتی را در نوعی «هنگنه هزینه–فروش» قرار داده است: هزینه‌ها به‌سرعت افزایش می‌یابد، اما امکان انتقال کامل آن به قیمت فروش، به‌دلیل ضعف تقاضا، وجود ندارد. نتیجه طبیعی این فرآیند، فشرده شدن حاشیه سود، اختلال در جریان نقدینگی و ناتوانی بنگاه‌ها در پرداخت دستمزد متناسب با هزینه‌های معیشت است. در چنین شرایطی، انتظار حفظ نیروی کار در صنعت، انتظاری غیرواقع‌بینانه است.

در این چارچوب، یکی از تحولات مهم اقتصاد ایران، جابه‌جایی بازدهی نسبی فعالیت‌ها از صنعت به خدمات بوده است. در محیطی که بی‌ثباتی کلان بالاست، فعالیت‌های سرمایه‌بر، بلندمدت و نیازمند پیش‌بینی‌پذیری ـ مانند صنعت ـ جذابیت خود را از دست می‌دهند. در مقابل، بخش خدمات، به‌ویژه خدمات کم‌سرمایه، انعطاف‌پذیر و بعضاً غیررسمی، توانسته است سریع‌تر خود را با تورم تطبیق دهد و درآمد اسمی بالاتری ایجاد کند. مهاجرت نیروی کار به این بخش، نه نشانه گریز از کار، بلکه تصمیمی عقلانی در پاسخ به تفاوت بازدهی بین بخش‌هاست.

با این حال، نکته مهم آن است که بخش قابل توجهی از این انتقال خدماتی، شکننده، کم‌بهره‌وری و فاقد ارزش افزوده پایدار است. جذابیت کوتاه‌مدت این مشاغل، لزوما به معنای توان آنها برای ایجاد اشتغال مولد و رشد بلندمدت نیست. از این منظر، خروج نیروی کار از صنعت اگرچه برای فرد منطقی است، اما در سطح کلان، به تضعیف پایه‌های تولید ملی منجر می‌شود.

عامل تشدیدکننده دیگر، بحران انرژی است. قطعی‌های مکرر برق و گاز، افزایش نااطمینانی و هزینه‌های عملیاتی، به‌ویژه در صنایع انرژی‌بر، شوک هزینه‌ای سنگینی به بخش صنعت وارد کرده است. صنایعی که زمانی بر مزیت نسبی انرژی ارزان استوار بودند، اکنون با افزایش هزینه و اختلال در تولید مواجه‌اند. این ناطمینانی، مستقیما به بازار کار منتقل شده و رابطه کارگر و بنگاه را تضعیف کرده است؛ بنگاهی که افق تولید روشنی ندارد، نمی‌تواند تعهد بلندمدت به نیروی کار بدهد.

در کنار این عوامل، بهره‌وری پایین و شکاف فناوری یکی از ریشه‌ای‌ترین مشکلات صنعت ایران است. فرسودگی ماشین‌آلات، محدودیت دسترسی به فناوری‌های روز و قطعات به‌دلیل تحریم‌ها، ضعف نظام آموزش مهارتی و ناکارآمدی مدیریتی، همگی باعث شده‌اند ارزش افزوده ایجادشده توسط هر کارگر پایین بماند. این زنجیره به‌روشنی قابل ترسیم است:

تحریم و بی‌ثباتی ← عقب‌ماندگی فناوری ← بهره‌وری پایین ← دستمزد غیرقابلتی

در چنین شرایطی، حتی بنگاه‌هایی که تمایل به حفظ نیروی کار دارند، از نظر اقتصادی توان آن را ندارند.

این وضعیت با رکود سرمایه‌گذاری تشدید شده است. تغییرات مکرر سیاست‌ها و محدودیت دسترسی به منابع مالی، سرمایه‌گذاری جدید در صنعت را به حداقل رسانده است. بدون سرمایه‌گذاری، نوسازی فناوری و افزایش بهره‌وری ممکن نیست و این خود به کاهش انتقال و تعمیق رکود می‌انجامد. به این ترتیب، اقتصاد در یک چرخه معیوب گرفتار می‌شود.

تشدید رکود ← افت بهره‌وری و انتقال ← کاهش سرمایه‌گذاری ← رکود

در این میان، آنچه گاه از آن با عنوان «انعطاف‌پذیری روحیه نسل جدید یا کار صنعتی» یاد می‌شود، بیش از آنکه مسأله‌ای فرهنگی باشد، بازتاب تغییر انتظارات نیروی کار از کیفیت شغل است. نسل جدید به امنیت شغلی، امکان رشد تعادل کار و زندگی و شأن اجتماعی شغل اهمیت بیشتری می‌دهد. صنعت ایران، در وضعیت کنونی، در تأمین این مؤلفه‌ها ناتوان است و طبیعی است که نیروی کار به سمت گزینه‌های جایگزین حرکت کند.

پیامدهای تداوم این روند، فراتر از کاهش تولید است. خروج نیروی کار ماهر، به‌معنای فرسایش سرمایه انسانی ملی است که بازسازی آن در آینده پرهزینه و زمان‌بر خواهد بود. تضعیف صنعت، وابستگی به واردات را افزایش می‌دهد و اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرتر می‌کند. افزون بر این، زوال صنایع که اغلب در مناطق خاصی متمرکزند، به تعمیق نابرابری‌های منطقه‌ای در کوتاه‌مدت می‌انجامد.

در مجموع، کوچ نیروی کار از صنعت زنگ خطری است که نشان می‌دهد مدل فعلی توسعه صنعتی ایران به پایان چرخه کارآیی خود نزدیک شده است. پاسخ به این بحران، سیاست‌های مقطعی یا دستوری نیست، بلکه نیازمند اصلاحات ساختاری در اقتصاد کلان است؛ مهار پایدار تورم، ثبات‌بخشی به سیاست‌ها، بازنگری در سیاست انرژی، ارتقای بهره‌وری و بازتعریف رابطه کار و صنعت. بدون این اصلاحات، خروج سرمایه انسانی ادامه خواهد یافت و هزینه آن را نه‌فقط بنگاه‌ها، بلکه کل اقتصاد ایران خواهد پرداخت. آینده صنعت ایران، بیش از هر چیز، به تصمیم‌های امروز سیاستگذاران گره خورده است.

دکتر فریده خدادادی
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد

هماهنگی اقتصادی و مدیریت روانی؛ کلید آرامش بازار

اختصاصی پیام آشنا- در روزهای اخیر، افزایش شدید نرخ ارز و طلا موجب شد جمعی از کسبه و بازاریان در نقاط مختلف بازار تهران از جمله خیابان جمهوری، سبزه میدان و چهارراه استانبول، مغازه‌های خود را تعطیل یا نیمه تعطیل کرده و اعتراض خود را نسبت به بی‌ثباتی قیمت‌ها و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی بازار اعلام کنند. بازاریان نگرانی خود از تأثیر نوسانات ارزی بر امکان قیمت‌گذاری و معاملات بیان کردند. فعالان بازار اعلام کردند که این نوسانات باعث دشواری در تأمین کالا و انجام معاملات شده است. آن‌ها همچنین خواستار اقدام فوری سیاست‌گذاران اقتصادی و ایجاد چشم‌انداز روشن برای بازار و مردم شدند.

تأثیر جنگ روانی دشمن بر بازار

فعالان اقتصادی و کارشناسان بازار تأکید می‌کنند که نوسانات روانی و رسانه‌ای می‌تواند به اندازه تغییرات واقعی قیمت، معاملات و اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. حتی در شرایطی که کالا و منابع کافی در کشور موجود است، اضطراب، شایعات و عدم اطمینان فعالان اقتصادی می‌تواند آشفتگی در بازار و اختلال در معاملات ایجاد کند. جنگ روانی دشمن با هدف القای نگرانی، کاهش اعتماد عمومی و فشار بر معیشت مردم طراحی شده و با بهره‌گیری از شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فضای مجازی، توانسته رفتار بازار را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

این واقعیت نشان می‌دهد که کنترل نوسانات اقتصادی تنها با سیاست‌های مالی و قضایی ممکن نیست و لازم است مسئولان با اقدامات هماهنگ، اطلاع‌رسانی شفاف و مدیریت روانی بازار را نیز در دستور کار قرار دهند تا اعتماد عمومی حفظ شده و اثرات منفی نوسانات کاهش یابد.

مدیریت روانی بازار: راهکار کنترل نوسانات ارزی

در واکنش به تعطیلی و اعتراض بازاریان، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، علی‌اکبر پور جمشیدیان، با تأکید بر اثرگذاری جنگ روانی دشمن بر بازار، هشدار داد که بخش عمده مشکلات اخیر ناشی از فضای روانی و القائات دشمن است. وی تأکید کرد که حتی نوسانات واقعی بازار، زمانی که با انتظارات منفی و نگرانی‌های روانی فعالان اقتصادی همراه شود، اثرگذاری آن تشدید می‌شود و می‌تواند معاملات و اعتماد عمومی را مختل کند.

صبر، آرامش و همراهی بازاریان: کلید ثبات بازار

پور جمشیدیان افزود که با صبر، آرامش و همراهی بازاریان و مردم می‌توان اثرات روانی نوسانات را کاهش داد و بازار را از واکنش‌های غیرمنطقی محافظت کرد. به گفته وی، امکانات و کالا در کشور کافی است و دولت و مجلس با تمام توان در تلاش‌اند تا نوسانات ارزی و تأثیرات آن بر معیشت مردم را مدیریت کنند. این اظهارات نشان می‌دهد که دولت در کنار اقدامات اقتصادی و قضایی، توجه ویژه‌ای به مدیریت روانی بازار، اعتماد عمومی و شفاف‌سازی سیاست‌ها دارد، زیرا تجربه روزهای اخیر ثابت کرده که بدون همراهی مردم و فعالان اقتصادی، حتی سیاست‌های قاطع و اقدامات نظارتی نمی‌تواند به ثبات بلندمدت بازار منجر شود.

سخنان پور جمشیدیان نشان می‌دهد که کنترل نوسانات ارزی نیازمند ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی ملموس، برخورد بازدارنده با اخلالگران و مدیریت روانی بازار است. همراهی مردم و اعتماد فعالان اقتصادی به سیاست‌گذاران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت معاملات، کاهش التهابات روانی و بازگرداندن آرامش به بازار دارد.

دستور قاطع ائمه جمعه برای برخورد بازدارنده با اخلالگران اقتصادی

همزمان، رئیس قوه قضاییه، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، بر لزوم مقابله جدی با اخلالگران اقتصادی تأکید کرد. اقدامات قوه قضاییه شامل شناسایی دارندگان کارت‌های بازرگانی اجارهای، برخورد با محتکران و قاچاقچیان کالاهای اساسی و پیگیری عدم رفع تعهدات ارزی ۲۱۲ شخص حقیقی و حقوقی است. این اقدامات نشان می‌دهد که قوه قضاییه در کنار سیاست‌های اقتصادی دولت، با اقدامات بازدارنده و پیشگیرانه، قصد دارد از سوءاستفاده اقتصادی و افزایش فشار بر مردم جلوگیری کند.

تجربه روزهای اخیر بازار تهران نشان می‌دهد که نوسانات ارزی و طلا، علاوه بر فشار اقتصادی واقعی، تحت تأثیر جنگ روانی دشمن و انتظارات منفی فعالان بازار، اثرگذاری دوچندان یافته است. تعطیلی و اعتراض بازاریان نمادی از فشار روانی و بی‌اعتمادی موجود در معاملات است. موضوعی که بدون مدیریت روانی و اطلاع‌رسانی شفاف، حتی سیاست‌های اقتصادی و اقدامات قضایی نیز نمی‌تواند به ثبات بازار منجر شود. واکنش مسئولان، از هشدار و توصیه معاون وزیر کشور برای حفظ آرامش و همراهی بازاریان گرفته تا اقدامات بازدارنده قوه قضاییه علیه محتکران، قاچاقچیان و اخلالگران اقتصادی، نشان‌دهنده ضرورت همزمانی اقدامات اقتصادی، قضایی و روانی برای بازگرداندن اعتماد عمومی و ایجاد ثبات در بازار است. تجربه اخیر همچنین تأکید می‌کند که همراهی مردم و فعالان اقتصادی، اعتماد به سیاست‌گذاران و شفافیت تصمیم‌گیری‌ها، کلید اصلی کنترل نوسانات و کاهش فشار بر معیشت مردم است.

شیرین‌زاد:

کشور نیازمند درآمد پایدار و مدیریت واحد است

نماینده مردم البرز در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از وابستگی دولت‌ها به فروش نفت، گاز و دارایی‌های سرمایه‌ای، تأکید کرد نبود مدیریت یکپارچه و برنامه جامع، به‌ویژه در حوزه فرهنگ، کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده و اصلاح ساختار درآمدی و مأموریت‌محور شدن دستگاه‌ها را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانست.

به گزارش پیام آشنا، علی شیرین‌زاد، نماینده مردم البرز در مجلس شورای اسلامی، با حضور در برنامه «نگاه مردم» و با محوریت «البرز؛ میان آینده و اجرا»، به تشریح دیدگاه‌های خود درباره ساختار درآمدی دولت، چالش‌های فرهنگی و الزامات مدیریت یکپارچه پرداخت.

وی با انتقاد از وابستگی دولت‌ها به درآمدهای ناپایدار گفت: دولت‌های ما در طول چند دهه گذشته به نوعی به «مفت‌خوری» عادت کرده‌اند؛ به این معنا که سرمایه‌های نهادی و ذاتی کشور مانند نفت و گاز را به فروش رسانده‌اند. به گفته وی، مالیات که دومین منبع درآمدی دولت است نیز متعلق به مردم است.

شیرین‌زاد با اشاره به ساختار درآمدی دولت‌ها افزود: دولت‌ها در لایه‌های مختلف خود، از گذشته تاکنون، بر سه محور عمده اتکا داشته‌اند؛ نخست، مالیات و عوارض در اشکال مختلف، دوم فروش دارایی‌های سرمایه‌ای و سوم فروش دارایی‌های مالی نظیر اوراق و همچنین درآمد حاصل از فروش آب، برق و گاز. وی تأکید کرد: باید به سمت درآمدهای پایدار حرکت کنیم، چرا که انفال، دارایی‌های مردمی محسوب می‌شوند و راهکارهای مؤثری برای ایجاد درآمدهای پایدار وجود دارد.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، نبود برنامه جامع و مدیریت یکپارچه در عرصه فرهنگی را از چالش‌های جدی کشور دانست و تصریح کرد: با وجود ظرفیت‌های تمدنی و هویتی، در حوزه فرهنگ و صنایع خلاق نتوانسته‌ایم جایگاه شایسته‌ای در عرصه بین‌المللی به دست آوریم. نبود نگاه مدیریتی جامع، منسجم و منضبط، کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

وی با اشاره به اقدامات کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: در سطح کمیسیون، این نگاه شکل گرفته که برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی باید مأموریت‌محور و در چارچوب بودجه تعریف شوند. با این حال، یکی از چالش‌های جدی سال ۱۴۰۴ آن بود که با وجود تصویب بودجه‌های مؤثر، بخش قابل توجهی از آن‌ها اجرایی نشد و همین مسئله موجب عقب‌ماندگی از افق‌ها و برنامه‌ریزی‌هاشد.

شیرین‌زاد افزود: جابک‌سازی و کاهش تعداد دستگاه‌های فرهنگی، از رویکردهای مورد توجه قانون‌گذاران است و این موضوع در سطح حاکمیت در حال بررسی است. جزیره‌ای عمل کردن و نبود وحدت معنایی نیز از دیگر مشکلات برنامه‌های فرهنگی به شمار می‌رود و کشور نیازمند دستگاهی واحد برای هماهنگی، انسجام و هم‌افزایی در این عرصه است.

وی همچنین از برگزاری جلسات تخصصی کمیسیون فرهنگی با هدف ارزیابی نقاط ضعف دستگاه‌ها و برنامه‌ها خبر داد و گفت: هدف این جلسات، دستیابی به ادبیات مشترک و ارتقای کارآمدی سیاست‌های فرهنگی است.

نماینده مردم البرز در ادامه به برخی چالش‌های اجرایی اشاره کرد و افزود: بخشی از مشکلات به فرسودگی ساختارها و بخشی دیگر به قوانین جدید از جمله قوانین حوزه جوانی جمعیت بازمی‌گردد که در میدان اجرا چالش‌هایی ایجاد کرده است. نمونه آن موضوع تأثیر پایه یازدهم در کنکور است که از یک سو شورای فرهنگی بر عدم تجدیدپذیری مصوبه تأکید دارد و از سوی دیگر، دانش‌آموزان و خانواده‌ها با مشکلاتی مواجه‌اند.

وی وظیفه مجلس را تعدیل‌گری و حل تعارض‌ها دانست و خاطرنشان کرد: به دلیل تعارض میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر، روند اصلاحات کند پیش می‌رود. اگر مرجعی واحد با مشورت دستگاه‌های اجرایی، مأموریت‌ها را مشخص کند، بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد. مأموریتی که در اتاق‌های بسته تعریف و در فضای باز اجرا می‌شود، باید با احصای آسیب‌ها و با استفاده از عقل جمعی کمیسیون‌ها به گونه‌ای طراحی شود که با بیشترین دقت، کمترین عارضه را به همراه داشته باشد.

کلیات لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق تصویب نشد

سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵ از تصویب نشدن کلیات لایحه بودجه در جلسه دیروز این کمیسیون خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، مجتبی یوسفی سخنگوی کمیسیون تلفیق با اشاره به جلسه دیروز این کمیسیون گفت: در جلسه عصر این کمیسیون درباره لایحه بودجه ۱۴۰۵ رای گیری شد و کمیسیون با کلیات این لایحه مخالفت کرد.

به گفته وی، تورم‌زایی لایحه، دغدغه معیشتی و کاهش قدرت خرید مردم و نگرانی جدی از عدم تحقق درآمدهای عمومی، از جمله دلایل مخالفت کمیسیون تلفیق با کلیات بودجه بود.

سه‌شنبه دوم دی ماه لایحه بودجه ۱۴۰۵ توسط رئیس جمهور به مجلس تقدیم شد و از همان زمان جلسات کمیسیون تلفیق برای بررسی کلیات شروع شد. قرار است مجلس در جلسه علنی امروز (سه شنبه ۹ دی) به بررسی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ بپردازد.

اگر نمایندگان مجلس نیز در جلسه علنی امروز با کلیات لایحه بودجه مخالفت کردند، لایحه بودجه به دولت برای اعمال اصلاحاتی برگردانده می شود. در این صورت دولت ۵ روز برای اعمال اصلاحات در لایحه بودجه فرصت دارد و مجددا فرایند بررسی کلیات بودجه در مجلس طی می شود.